

بررسی مفهوم امنیت زیست‌محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست‌محیطی ایران

وحید رنجبر حیدری¹ * ابراهیم جمشیدی²

چکیده

با توجه به پیامدهای گسترده و اجتناب‌ناپذیر چالش‌های زیست‌محیطی و اولویت پیشگیری در مسائل امنیتی، شناسایی نقاط آسیب‌پذیر و تأثیراتی که این چالش‌ها بر امنیت ملی کشورها دارد، به‌منظور جلوگیری از تبدیل شدن آنها به بحران، ضروری می‌نماید. از همین‌رو پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال برآمده است که مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی ایران کدامند؟ و از میان آنها کدامیک به لحاظ حیاتی بودن از اولویت بیشتری برخوردارند؟ در همین راستا فرضیه مقاله پیش رو عبارت است از این که با نگرش توسعه‌مفهوم و تکثر در ابعاد امنیت، جمهوری اسلامی ایران با تهدیدات گوناگونی روبه‌رو است که در این میان تهدیدات زیست‌محیطی از اولویت و پیچیدگی خاصی برخوردار است. به همین منظور در مقاله پیش‌رو با استفاده از روش دلفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته مهم‌ترین چالش‌های مؤثر بر امنیت زیست‌محیطی ایران جمع‌آوری، تدوین و اولویت‌بندی شده‌اند. و در نتیجه پس از تعیین وزن نسبی از میان 15 معیار حاضر، به نظر می‌رسد مسائل مرتبط با بحران بی‌آبی و آلودگی هوا به لحاظ شرایط بحرانی و ابعاد امنیتی آن، اهمیت فوری و حیاتی دارند. بنابراین آنچه به مقاله حاضر ضرورت می‌بخشد، اولویت یافتن و دارای جایگاه شدن امنیت زیست‌محیطی و شناسایی دسته‌ای از اساسی‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر است.

واژگان کلیدی: امنیت زیست محیطی، چالش‌ها، جمهوری اسلامی ایران

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی - سال پنجم - شماره بیست‌ویکم - زمستان 95 - صص 231-199

تاریخ دریافت مقاله: 95/6/4 تاریخ پذیرش مقاله: 95/11/26

1. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان (heydari4000@gmail.com)
2. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی تهران (eb.jamshidi@gmail.com)

مقدمه

گستره و ژرفای فرسایش محیطی در قالب تخریب محیط زیست، آلودگی بنیادهای زیستی، گرمایش کروی و گسترش انواع بیماری‌های نو پدید و بازپدید، کشمکش بر سر منابع در مقیاس‌های مختلف (فروملی، ملی و فراملی) طی چند دهه اخیر، جستارهای اکولوژیکی و محیط زیست را از پر کاربردترین واژگان حوزه سیاست، امنیت، بهداشت و معیشت قرار داده است، به گونه‌ای که طی این مدت شاهد آفرینش ادبیاتی نو در قالب واژگان و عبارتهایی همانند توسعه پایدار، امنیت زیست محیطی، ژئوپولیتیک زیست محیطی، امنیت فراگیر و... بوده‌ایم (کاویانی‌راد، 1392: 7).

در این رابطه امنیت زیست محیطی با تهدیداتی سر و کار دارد که نه تنها نتیجه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها است بلکه در مقایسه با تهدیدات نظامی بسیار کند پیش می‌رود. بنابر این در مقام مقایسه افق‌های زمانی که برای برنامه‌ریزی سیاسی لازم است، بی‌نهایت گسترده است در حالی که برخی از برنامه‌های هدف‌گذاری شده مرتبط با محیط زیست همچون یک برنامه نمونه برای برگرداندن تخریب زیست محیطی یک اکوسیستم کامل و یا احیاء مجدد آن به منظور به دست آوردن نتایج مورد نظر می‌تواند دست کم 50 سال طول بکشد یا برای تأثیرگذاری سیاست‌های مربوط به بازگردانی لایه ازن حداقل تا 10 سال زمان مورد نیاز است، و سیاست ایجاد تغییرات اقلیمی حتی بیشتر از آن زمان می‌خواهد. این افق‌های زمانی بیان‌کننده اهمیت نگرش امنیت زیست محیطی در قالب فرآیندهای سیاست‌گذاری است (پیشگاهی‌فرد و عزیزاده، 1390: 116).

در ایران روند تخریب محیط زیست در طول چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته و در بسیاری از موارد، این روند از دیگر کشورها جدی‌تر بوده است. بیشتر آمارهای نگران‌کننده مرتبط با محیط زیست ایران محصول برآیند موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی سرزمین ایران، کم‌توجهی به نقش جستارهای پایداری محیط در طراحی و اجرای سازه‌ها و فضاها، ناآگاهی عمومی و کم‌توجهی سازمان‌های دولتی است. به نظر می‌رسد تداوم این وضعیت، دست کم در

دو دهه آینده، کشور را با چالش‌های امنیتی محیط‌محور پرهزینه و زمانبر، رویارو خواهد کرد که از پایداری و ثبات نیز برخوردار هستند (کاویانی‌راد، 1389: 33).

در این زمینه توجه به برخی نتایج پژوهش‌های خارجی در مورد شرایط زیست‌محیطی ایران، به‌ویژه پژوهش‌های بانک جهانی¹ و دانشگاه ییل² در خور توجه و بیانگر این حقیقت است. اعلام شاخص جهانی عملکرد زیست‌محیطی³ سال 2013 که به‌صورت دوره‌ای توسط این دانشگاه منتشر می‌شود، بازگوکننده آن بود که ایران بین 132 کشور جهان با کسب نمره 42/73 در مقام 114 قرار گرفته است. این در حالی است که کشور ما در سال 2008 در رتبه 67 جهان و در سال 2010 در رتبه 78 قرار داشته است. نکته قابل توجه آن است که هیچ کشوری در بین دو اندازه‌گیری متوالی بیش از 30 پله تنزل نکرده اما ایران در اندازه‌گیری اخیر 36 پله تنزل داشته است (اصلی‌پور و شریف‌زاده، 1394: 247).

بر این اساس نگارندگان مقاله پیش‌رو بر این اعتقادند که با توجه به گسترش تهدیدات ناشی از تکثیر در ابعاد امنیت و به‌ویژه برجسته شدن تهدیدات زیست‌محیطی، توجه به این بُعد امنیتی در تدوین برنامه‌های راهبردی و به‌منظور تحقق اسناد بالادستی کشور ضروری می‌نماید. در صورت پذیرش این واقعیت، سؤالی که مطرح می‌شود این است که امنیت زیست‌محیطی چیست و چه تعریفی و گستره‌ای را شامل می‌شود؟ و مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی ایران کدامند؟ بر همین مبنا مقاله حاضر بر این فرض استوار است که با گسترده‌گی مفهومی و فزونی در ابعاد امنیت، جمهوری اسلامی ایران با تهدیدات گوناگونی مواجه است که در این میان تهدیدات زیست‌محیطی با جلوه‌هایی همچون بحران کم‌آبی، توفان ریزگردها، آلودگی هوا، فرسایش خاک در پی بیابان‌زایی و تخریب مراتع و جنگل‌زدایی، از اهمیت و پیچیدگی خاصی برخوردار است. به همین جهت پیشگیری، مقابله و پاسخگویی به جوانب احتمالی این دغدغه‌های امنیتی ضرورت می‌یابد.

بر همین راستا روش تحقیق به کاررفته در این پژوهش براساس نوع هدف، کاربردی و براساس ماهیت و روش نیز توصیفی پیمایشی با بهره‌گیری از روش دلفی است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، پیمایشی و مصاحبه با خبرگان و کارشناسان محیط‌زیست

1. world bank

2. Yale

3. Environmental Performance Index (EPI)

و تکمیل پرسش نامه از این کارشناسان است. بنابراین، ابتدا امنیت زیست محیطی، ابعاد و مؤلفه های آن مورد توجه قرار خواهد گرفت، و در انتها به بررسی جایگاه آن در حال حاضر ایران با بررسی مهم ترین چالش های زیست محیطی خواهیم پرداخت.

1. امنیت زیست محیطی

1-1. مطالعات امنیتی پس از جنگ سرد

به گفته استفان والت مطالعات امنیتی¹ به عنوان مطالعه تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی تعریف می شود و شرایط و روش هایی را که نیروی نظامی ایجاد می کند و بر افراد و جوامع تأثیر گذار است، به ویژه سیاست هایی که دولت ها در پیش می گیرند تا مقدمات جلوگیری از جنگ یا درگیر شدن در آن را فراهم آورند مورد بررسی قرار می دهد. باری بوزان،² مطالعات امنیتی را گسترده تر از آنچه والت بیان کرده تعریف می کند. بوزان با وارد کردن عنصر بخشی و توسعه ابعاد امنیت و نیز وارد کردن امنیت اجتماعی به حوزه مباحث امنیتی، امنیت را صرفاً در محور نظامی خلاصه نمی کند و مطالعات امنیتی را به پنج بخش اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و زیست محیطی توسعه می بخشد (عبداله خانی، 1389: 30-31).

در حقیقت با سیر تحولات به دست آمده در فردای جنگ سرد شاهد طرح دیدگاه های کلان تری در حوزه امنیت هستیم که موضوع محوری این دسته از مطالعات امنیتی «اصل تحول و تغییر محیط امنیتی»، «تحول پارادایم مطالعات امنیتی» و بالاخره «پرسش از چیستی پارادایم تازه ای» است که حاکم خواهد شد. بر این اساس، مطالعات امنیتی برای این که بتواند همچنان جایگاه خود را در حوزه دانشگاهی حفظ نماید، مجبور شده تا از تمرکز سنتی خود بر «تهدید»، «کاربرد» و «مدیریت» نظامی صرف احتراز جست، با تجربه نمودن برخی از تحولات بنیادین، به ابعاد و ملاحظات تازه ای در «تعریف امنیت» دست یابد. در همین دوران است که شاهد گسترده گی موضوعات امنیتی (طرح مسائل تازه ای از قبیل: تروریسم، ایدز، قاچاق مواد مخدر، نابودی منابع طبیعی، گرمای زمین، انفجار جمعیت، آلودگی آب و هوا، سوراخ شدن لایه ازن، باران های اسیدی،...) می باشیم (افتخاری،

1. Security Studies

2. Barry Buzan

1395: 63). در واقع، پایان جنگ سرد، سبب تغییر در مطالعات و تحلیل امنیت و نظام جهانی از چهارچوب سنتی به رویکرد غیرسنتی شد.

1-2. تهدیدات محیط زیستی به مثابه تهدیدات امنیتی غیرسنتی

همانطور که گفته شد تا اواخر دهه 1980 موضوعات نظامی (سخت/سنتی) کانون مباحث امنیتی به شمار می‌رفت؛ به عبارتی، نگرش تقلیل‌گرایانه به امنیت حاکم بود و امنیت در توانایی‌های نظامی، برقراری صلح پس از جنگ و در چارچوب امنیت سرزمینی از تجاوز خارجی، حفظ استقلال ملی یا امنیت از جنگ هسته‌ای جهانی جستجو می‌شد (تریف و دیگران، 1381: 341). این برداشت از امنیت که در چارچوب مکتب واقع‌گرایی سنتی تفسیر می‌شد بر دو فرض بنیادی استوار بود؛ نخست آنکه اغلب تهدیدات ضدامنیتی خاستگاهی برون مرزی دارند، دیگر آنکه اغلب تهدیدات سرشتی نظامی دارند و عموماً نیز مستلزم پاسخی نظامی هستند. بدین ترتیب نظریه واقع‌گرایی برای سال‌ها مهم‌ترین تصور بنیادی و منبع نظری دو مفروض اصلی تعریف سنتی از امنیت به شمار می‌رفت (کاویانی‌راد، 1390: 88).

در همین زمینه ریچارد فالک¹ در کنار تغییر رهبری شوروی و پایان جنگ سرد و پیدایش نوع جدیدی از سیاست انقلابی توده‌ای، محیط زیست را سومین دسته از تحولات مشکل‌آفرین برای مکتب واقع‌گرایی می‌داند. گسترش این آگاهی که زوال محیط زیست مجموعه مشکلات بزرگی را در سطح جهان به وجود آورد که مکتب واقع‌گرایی به دلیل تمرکز صرف بر ستیزش‌های میان دولت‌ها قادر به پاسخگویی به آنها نبود. به باور فالک وقتی در سال 1989، مجله تایم² به جای معرفی «مرد یا زن سال» اقدام به معرفی «سیاره به خطر افتاده» کرد، در واقع از مطرح شدن دستور کار زیست‌محیطی در صحنه جهانی خبر می‌داد (فالک، 121: 1381-120).

بدین ترتیب تحولات چشم‌گیر سیاسی و راهبردی پس از پایان جنگ سرد، در تغییر محیط امنیتی تأثیر به‌سزایی داشت به گونه‌ای که تهدیدات، تعریف و مصادیق تازه‌ای یافتند و نگرش سنتی به‌ویژه تهدید ناشی از رقابت دو ابرقدرت به شدت مورد چالش واقع شد. بر

1. Richard A. Falk

2. Time

این اساس در سطح کلان، دسته‌بندی موضوعات امنیتی در دو طیف برجسته شد: اول موضوعات سنتی، شامل بسیاری از مسائل امنیتی که اکنون ذهن سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران را به خود مشغول کرده است و تا اندازه‌ای با علایق و رویه‌های گذشته درباره امنیت ملی همخوانی دارد. موضوعاتی مانند ملت‌گرایی و منازعات قومی، تولید و تکثیر سلاح‌های تخریب‌گسترده جمعی، ثبات نظامی، سیاسی و منطقه‌ای و... در معادلات امنیتی است. دوم موضوعات غیرسنتی موضوعاتی از قبیل مسائل زیست‌محیطی، وضعیت اقتصادی، سازمان‌های جنایی فراملی و چندملیتی، فرار مغزها، مهاجرت و... است که روز به روز از اهمیت افزون‌تری نسبت به موضوعات سنتی برخوردار می‌شود. افزایش اهمیت این مسائل «جدید» نه تنها بازاندیشی در تهدیدات امنیتی بلکه تجدید نظر درباره خود مفهوم امنیت را ضروری می‌سازد (تریف و دیگران، 1383: 228).

از این رو با توجه به تحولات محیطی و گفتمانی که پدید آمده‌اند، امروزه تهدیدات غیرنظامی در مقایسه با تهدیدات نظامی از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار گشته‌اند. در این ارتباط برخی از رویکردها هم چون رویکرد زیست‌محیطی، خیلی «غیرسنتی‌تر» به حساب می‌آیند و برخی چون رویکرد اقتصادی اگر چه دارای پیشینه تاریخی هستند اما امروزه رنگ و ماهیتی تازه یافته‌اند که طرح آنها را در ذیل عنوان کلی رویکردهای غیرسنتی توجیه می‌نماید. بر همین مبنا اقتصاد و رویکرد زیست‌محیطی هرچند قبل از این به عنوان بعدی از مفهوم توسعه یافته امنیت مدنظر بوده، اما امروزه با توجه به اهمیت‌شان تبدیل به یک «منظر» شده‌اند که بازتعریف امنیت را به دنبال داشته است (افتخاری، 1395: 261).

در واقع پایان جنگ سرد با روند جهانی شدن همراه شد و در این میان فروسایبی محیطی¹ دریچه نوینی به جستار امنیت گشود، محیط زیست در کانون توجه بین‌المللی قرار گرفت و عامل بالقوه کشمکش‌های سیاسی شناخته شد. به عبارت دیگر پس از جنگ سرد، نگرانی عمومی درباره امنیت زیست‌محیطی و کشمکش بر سر منابع، بخش زیادی از متون علمی و مباحث سیاسی را به خود اختصاص داد و به پیدایش و گسترش دانش واژه‌ها و جنبش‌های اجتماعی همانند اکوفمینیسم²، نژادگرایی زیست‌محیطی، اکوپولتیک، محیط

1. Environmental Degradation
2. Eco Feminism

زیست‌گرایی،¹ ژئوپولیتیک زیست‌محیطی، پایداری توسعه و صدها همایش و نشست با محوریت چالش‌ها و مخاطرات محیط زیستی منجر شد. چالش‌ها و نگرانی‌های بزرگی که دامنه اثرگذاری‌شان منطقه‌ای و جهانی شده است و توانایی دولت‌ها را برای مقابله با آنها کاهش داده است. چالش‌هایی که کوفی عنان² دبیرکل پیشین سازمان ملل از آنها با عنوان چالش‌های بدون گذرنامه³ یاد کرده است (کاویانی‌راد، 1392: 34). این در حالی است که نویسندگان سنتی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل توجهی به دغدغه‌های زیست‌محیطی نداشتند. در کتاب‌های برجسته‌ای که تا آن زمان به قلم سرشناس‌ترین متخصصان این رشته نگاشته شده بود، جای بحثی اسلوب‌مند درباره بعد زیست‌محیطی امنیت خالی است. در این کتاب‌ها حداکثر ادعا می‌شود که مشکلات زیست‌محیطی یک رشته مسائل مدیریتی عادی - و نه حتی مجموعه مشکلاتی را که حل آنها در گرو اختصاص حجم بیشتری از منابع بخش عمومی یا سرمایه‌گذاری‌های خلاق باشد - را پیش پای دولت‌ها گذاشته‌اند. این دیدگاه با اتفاق نظری که میان متخصصان و هواداران محیط زیست وجود داشت و هر روز هم عمیق‌تر می‌شد، مغایرت داشت (فالک، 121: 1381-120).

بر همین اساس، با نظر به تنوع و گستردگی نظریات و رویکردها در حوزه امنیت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که به مرور زمان بحث و ابعاد امنیت زیست‌محیطی جایگاه قابل تأمل‌تری یافته است و این مهم به‌طور ویژه در پی تغییر تعریف و گستردگی موضوعات امنیتی و در نتیجه اثرگذاری تحولات روابط بین‌الملل و برجسته شدن وجوه گوناگون امنیت سنتی و غیرسنتی به‌دست آمده است.

3-1. رویکرد زیست‌محیطی و سیاست

در حال حاضر صاحب‌نظران میدان محیط زیست و برخی از تحلیل‌گران روابط بین‌الملل بر اهمیت موضوعات زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از پارامترهای تعیین‌کننده و البته محدودکننده رفتار سیاستمداران و روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تأکید دارند. دیگر در این موضوع که بحران‌های محیط زیستی هم از نظر پیامدها و نیز از جنبه راه حل‌های آن به یکی از چالش‌های جهانی تبدیل شده است، تردیدی نیست و تقریباً تمام

1. Environmentalism

2. Kofi Annan

3. Problems without passports

موضوعات زیست محیطی ذاتاً با فرایندهای اقتصادی و سیاسی جهانی شده، ارتباط دارند (بیلیس و اسمیت، 1383: 927). امانوئل کاستلز در این باره معتقد است که، از دهه 1960 به بعد اصلاً "محیط زیست گرایی دیگر صرفاً دل مشغولی تماشای پرندگان، نجات جنگل‌ها، و پاکیزه‌سازی هوا نبوده است. اقداماتی علیه دفع زباله‌های سمی، حقوق مصرف‌کنندگان، اعتراض‌های ضدهسته‌ای، فمینیسم و شماری از مسائل دیگر با دفاع از طبیعت ترکیب شده‌اند تا ریشه‌های یک جریان جدید را در جهان گسترش دهند (کاستلز، 1385: 170). اکنون به اعتقاد پرتو و براون،¹ محیط زیست به‌عنوان موضوع عمده سوم (بعد از امنیت بین‌الملل و اقتصاد جهانی که دو موضوع عمده در جهان سیاست به شمار می‌آیند) مطرح شده است (جکسون و سورنسون، 1385: 324). بر همین مبنا در سیاست بین‌الملل، چه در حوزه نظری و چه در عرصه عملی، برای عواملی نظیر جغرافیا، جمعیت‌شناسی، توزیع منابع و توسعه تکنولوژیک اهمیت فزاینده‌ای قائل می‌شوند. در واقع به گفته هارولد و مارگارت اسپراوت²، بدون توجه به «کلیه عوامل زیست محیطی، اعم از انسانی و غیرانسانی، و یا ملموس و غیرملموس»، نمی‌توان محیط سیاسی را به‌طور کامل شناخت (ابوالحسنی، 1393). از این رو باید اذعان داشت که، از بسیاری جهات نظریه‌های زیست محیطی³ رویکردهای گوناگونی را - که در خصوص عدالت، برابری، مبارزه با استثمار، مصرف‌گرایی و سرکوب مطرح شده است - در خود جای داده است (جکسون و سورنسون، 1385: 323). همچنین پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخاسته از فرسایش محیطی، و کشمکش بر سر منابع طبیعی، محیط‌زیست را کانون مطالعات امنیتی سده بیست و یکم قرار داده است. بر مبنای این اهمیت، شیهان⁴ معتقد است که، «فعالیت‌های زیست محیطی از آغاز جزو نادرترین حوزه‌هایی به شمار می‌رفتند که در آن مخالفان از قدرت چندانی برخوردار نبودند. به نظر وی، هر چند دلایل مختلفی برای این امر می‌توان ذکر کرد؛ اما از همه مهم‌تر تشدید مسائل زیست محیطی در شمال و جنوب است، زیرا شمال و جنوب در برابر فجایع زیست محیطی آشکارا آسیب‌پذیر هستند» (شیهان، 1388: 132). به هر حال، امروزه مسائل زیست محیطی، از رشد جمعیت و دگرگونی‌های

-
1. Gareth Porter & Janet Welsh Brown
 2. Harold and Margaret Sprout
 3. environmental theories
 4. Michael Sheehan

تکنولوژیک گرفته تا مهاجرت‌ها و وجود انواع بیماری‌های واگیر، کم‌آبی، گرم‌شدن کره زمین و ذوب‌شدن یخ‌های قطب و افزایش گازهای گلخانه‌ای، جملگی از موضوعات حادی به شمار می‌روند، که باید در فرآیند سیاست‌گذاری‌ها، اولویت‌بندی هدف‌ها و اتخاذ استراتژی‌های گوناگون و در تعامل با ده‌ها سازمان حکومتی و غیرحکومتی، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گیرند (قوام، 1384: 18).

1-4. اهمیت محیط زیست و لزوم بازتعریف امنیت ملی

از دهه 1990 لزوم ارائه تعریفی تازه از عناصر امنیت ملی آشکار گردید. در حقیقت از دهه 1970 وقتی معلوم شد اقتصاد ایالات متحده دیگر همچون گذشته نیرویی مستقل نیست و به شدت تحت تأثیر خط مشی‌های اقتصادی ده‌ها کشور دیگر قرار دارد، مفهوم امنیت ملی فراخ‌تر شد و اقتصاد بین‌الملل را نیز به‌عنوان یکی از عناصر خود در بر گرفت. اکنون نیز تحولات جهانی به شیوه‌ای مشابه، نیاز به ارائه تعریف گسترده‌تری از امنیت ملی را مطرح ساخته است که مسئله منابع، محیط‌زیست و جمعیت را در خود منظور سازد. بر همین مبنا فشارهای زیست‌محیطی که مرزهای ملی را در می‌نوردند، شروع به در هم شکستن مرزهای مقدس حاکمیت ملی کرده‌اند و تعاریفی که برای مرزهای حاکمیت ملی قایلیم و آن را با مرزهای ملی منطبق می‌دانیم، دیگر منسوخ شده است. از آن روست که پدیده‌های زیست‌محیطی نه بر اساس مرزهای ملی، بلکه بر پایه مرز آبریزها، اکوسیستم‌ها یا جابه‌جایی‌های صورت گرفته در جو تعیین می‌شوند (متیوز، 1381: 72-68).

بنابراین مسایلی مانند مهاجرت، بیماری‌های خطرناک و آسیب‌های محیط‌زیستی به خودی خود، تهدید مستقیمی بر ضد تمامیت سرزمینی یا حفظ رژیم کشورها نیست، اما زمانی که بر توانمندی‌های اقتصادی، منابع طبیعی و نیروی انسانی تأثیر می‌گذارند، تهدیدی علیه امنیت ملی کشورها محسوب می‌شوند؛ برای مثال حادثه نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل و آسیبی که به سلامت شهروندان و تحت‌الشعاع قرار دادن توانمندی اقتصادی کشورهای همسایه اوکراین وارد ساخت، باعث شد تا تهدیدی علیه امنیت ملی این کشورها تلقی شود (جاجرمی، 1392: 201).

در همین ارتباط بوزان معتقد است تهدید زیست‌محیطی امنیت ملی، همانند تهدیدات

نظامی و اقتصادی به پایگاه مادی دولت لطمه می‌زند و شاید تا جایی پیش رود که ایده دولت و نهادهای آن را تهدید کند. به باور بوزان از لحاظ سنتی، به تهدیدات زیست‌محیطی به گونه‌ای نگریده می‌شد که گویا اتفاقی هستند و به ندرت رخ می‌دهند و بخشی از شرایط طبیعی زندگی‌اند و بیشتر از آنکه بتوانند در دستور کار امنیت ملی قرار گیرند، به سرنوشت مربوط هستند. زلزله، طاعون، طوفان، امواج سهمگین، سیل و خشکسالی ممکن است خساراتی در سطح مصائب جنگ بر دولت وارد کنند، اما این بخشی از تلاش انسان علیه طبیعت است، در حالی که مسائل امنیت ملی بیشتر از تلاش انسان‌ها علیه یکدیگر ناشی می‌شوند. در طول تاریخ، محیط‌زیست بستر نسبتاً ثابتی بوده است و عامل ویژه به حساب نیامده است؛ اما با افزایش شدید مقیاس، تنوع و سرعت فعالیت‌های بشر در قرن گذشته و با گسترش سریع دانش مربوط به اکوسیستم (بوم‌شناسی) کره زمین، محیط زیست، دیگر عامل ثابت و زمینه‌ای نیست. در این راستا به سادگی می‌توان تصور کرد که، مسئله تقسیم آب در طول رودخانه‌هایی مثل نیل، مکونگ و سند، توسل به نیروی نظامی را بدنبال داشته باشد. تهدیدات زیست‌محیطی بزرگ‌تر با اشکال وسیع‌تری در چارچوب امنیت ملی قرار می‌گیرد. بنابراین امنیت زیست‌محیطی بیانگر یک چرخش بسیار زیاد در رویکرد به امنیت ملی است که دو مسئله مجزا را بیان می‌کند: عوامل زیست‌محیطی احتمالی که در پشت سر برخوردهای خشونت‌آمیز قرار دارند و نیز تأثیر تخریب محیط زیست بر سلامتی جوامع و اقتصادها (بوزان، 1389: 156-159). بر مبنای این نگاه گسترده، نگرش امنیتی به مقوله بحران‌های زیست‌محیطی نتیجه پیامدهای زیانبار این رخدادها در معیشت و گسترش دامنه کشمکش‌های محلی و ملی بر سر کاهش میزان برخوردارها و هراس از تحولات پیش‌بینی‌ناپذیر آینده است. آینده‌ای که داده‌ها و یافته‌های علمی، هشدار آن را دیرگاهی است سرداده‌اند (صالحی و نیکنامی، 1392: 151).

از این رو به باور بسیاری از پژوهش‌گران، از جمله تریف، تهدیدات زیست‌محیطی با توجه به ابعاد امنیتی و کروی آن در متن تهدیدات غیرسنتی یا نوپدید قرار دارد به گونه‌ای که محیط زیست مهم‌ترین مسئله امنیت ملی واحدهای ملی در سده بیست و یکم است (تریف، 1383: 374).

5-1. مفهوم‌سازی امنیت زیست‌محیطی

مفاهیم مربوط به «امنیت زیست‌محیطی» یا «سیاست زیست‌محیطی» از سال 1987 میلادی، هنگامی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای نخستین بار اقدام به معرفی این مفهوم کرد، عمومیت یافت. طبق این معرفی، منطق اساسی امنیت زیست‌محیطی این است که در چشم‌انداز جهانی، نوع بشر به گونه‌ای گذران زندگی می‌کند که از حد تحمل کره زمین خارج است و اغلب این منطق در چارچوب‌های محلی و منطقه‌ای نمایان‌تر است (احمدی و دیگران، 1392: 126).

چنان که آمد، پس از جنگ سرد محیط زیست به کانون اصلی نگرانی‌ها و دلیل بالقوه کشمکش‌های سیاسی تبدیل شد و پیامدهای بین‌المللی فروسای محیط زیست در بازنگری جستار امنیت اهمیت زیادی یافت. طرح مفهوم امنیت زیست‌محیطی در قالب امنیت انسانی و ملی در میان کنشگران و بازیگران سیاسی، ناظر بر اهمیت جهانی محیط زیست در مناسبات قدرت، توسعه و امنیت واحدهای سیاسی است. بر همین پایه تاکنون از امنیت زیست‌محیطی تعاریف مختلفی به عمل آمده که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- امنیت زیست‌محیطی، امنیتی است که در چارچوب آن برخورداری از طبیعت و محیط زیست سالم و غنی، حق طبیعی انسان تلقی شود و از آن حمایت به عمل آید (قنبرلو، 1392: 212-211).

- امنیت زیست‌محیطی به حفظ زیست‌سپهر محلی و کل کره زمین که اصلی‌ترین نظام پشتیبان تمامی فعالیت‌های بشری است، اشاره دارد (بوزان و همکاران، 1386: 126).

- امنیت زیست‌محیطی وضعیتی است که یک کشور یا یک منطقه از طریق حکمروایی شایسته، مدیریت توانمند و استفاده پایدار از منابع طبیعی و محیط زیست، گام‌های مؤثری در مسیر ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تضمین رفاه جمعیت بردارد.

- امنیت زیست‌محیطی به معنای پاسداری از محیط طبیعی، منافع حیاتی شهروندان، جامعه و دولت از تأثیرات داخلی و خارجی و تهدیدات منفی طی فرآیند توسعه است که سلامت انسان، تنوع زیستی و عملکرد پایدار زیست‌بوم و بقای نوع بشر را تهدید می‌کند. بر این پایه، امنیت زیست‌محیطی بخش جدایی‌ناپذیر امنیت ملی

- است.
- امنیت زیست محیطی، پاسداری از منافع حیاتی فرد، جامعه و محیط زیست طبیعی در برابر تهدیدهای برخاسته از برخوردهای انسانی و طبیعی محیط زیست است.
 - امنیت زیست محیطی، ایمنی عمومی و نسبی از خطرات زیست محیطی است که منشاء آنها یا فرآیندهای طبیعی است یا انسانی.
 - امنیت زیست محیطی، پوشش انسان - محیط است که شامل بازسازی محیط آسیب دیده از اقدامات نظامی و بهسازی چگونگی کمبود منابع ناشی از فروسایبی محیطی و تهدیدهای بوم‌شناسی می‌شود که ممکن است به نابسامانی‌های اجتماعی و کشمکش بینجامد.
 - امنیت زیست محیطی، حفاظت از محیط کالبدی جامعه و تأمین نیازهای آن بدون کاهش ذخایر طبیعی است.
 - امنیت زیست محیطی، رهایی از بی‌ثباتی اجتماعی ناشی از فروسایبی محیط زیست است (کاویانی‌راد، 1392: 32-28).

2. ضرورت توجه به امنیت زیست محیطی ایران

کشورها در تلاشند که روندهای آتی پیش روی خود را شناخته و اقدام به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و تدوین راهبردهای چارچوب‌مند نمایند. آنچه این نیاز را برای جمهوری اسلامی ایران دو چندان می‌سازد این است که با توجه به ماهیت اساساً مستقل نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین به چالش طلبیدن هنجارهای اساسی نظام بین‌الملل و نیاز تحقق برنامه‌های پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز 1404، ج.ا.ایران نیازمند طراحی و برنامه‌ریزی آینده خود می‌باشد. این در حالی است که سند چشم‌انداز استلزامات خاص و امنیتی مهمی را پیش‌رو و در خود نهفته دارد. ابعاد امنیتی سند چشم‌انداز در پنج رهیافت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی و نظامی قابل تفکیک است و تحقق سند چشم‌انداز آن مستلزم نگاهی چندجانبه به مقوله امنیت است (افتخاری و دیگران، 1390: 58). در حقیقت زمینه‌های پیوسته با امنیت زیست محیطی واکنش مستقیمی بر روند کسب جایگاه نخست منطقه‌ای ایران خواهد داشت. ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار، برای پیش رفتن با تحولات موجود در عرصه بین‌المللی نیازمند واریسی و کنکاش تحولات اطراف خود، در بُعد منطقه‌ای و بین‌المللی است و این مسئله ضرورت مقابله با موانع و چالش‌های

احتمالی آن را ضروری می‌نماید.

واکنش به بحران زیست‌محیطی در حال گسترش فراگیر بوده و اشکال گوناگونی پیدا کرده است. کشور ایران همواره در معرض تهدیدات زیست‌محیطی قرار داشته است. عوامل زیست‌محیطی همچون تأمین انرژی و دستیابی به آن، آلودگی آب رودخانه‌ها و دریاها، ریزگردها، بیابان‌زایی، خشکسالی، تغییرات آب و هوا، افزایش جمعیت و مهاجرت در ایجاد تنش، واگرایی، برهم زدن نظم عمومی و از همه مهم‌تر بر امنیت ملی ایران، تأثیرات قابل توجهی دارند (جاجرمی و دیگران، 1392: 195). با توجه به اهمیتی که محیط زیست به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی جوامع امروزی برای بقاء در محیط به شدت رقابتی و با تغییرات گسترده دارد. دو نکته مهم در آینده محیط زیست ایران باید مورد توجه قرار گیرد، اول شناسایی عوامل تأثیرگذار مستقیم در محیط زیست ایران، دوم شناسایی عوامل محیطی و پیشران تغییرات محیط زیست ایران (زارع و روغنیان، 1394). از اینرو، لازم است مهم‌ترین پیشران‌ها و چالش‌های زیست‌محیطی ایران، شناسایی و برابر آن زمینه دستیابی به توسعه پایدار و حفظ امنیت، فراهم گردد.

2-1. لزوم شناسایی پیشران‌های زیست‌محیطی مؤثر بر امنیت ایران

در ایران، روند تخریب محیط زیست در طول چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته، به گونه‌ای که در این زمینه و در بسیاری از موارد، کشورمان پیشگام دیگر کشورهاست. رشد و گسترش اندیشه‌های سوداگرانه و مصرف‌فرزاینده مواد و انرژی، فناوری‌های صنعتی، افزایش جمعیت و لزوم توجه به تأمین نیازها و خواسته‌های آن، افزایش سطح رفاه و گاه تشدید فقر و چیرگی انسان بر طبیعت، فروسایبی آن را در پی داشته و تداوم این اوضاع، مقوله محیط زیست را در مفهوم فراگیر آن با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. شدت دامنه آلودگی و تخریب محیط زیست در ایران به حدی است که دیگر نمی‌توان بر آن سرپوش نهاد؛ به طوری که زمینه توسعه با تخریب محیط همزاد شده است (کاوایانی‌راد، 1389: 33-34). باید توجه داشت که این وضعیت، نه ثمره یک سال و دو سال که، نتیجه ناگزیر دهه‌ها غلبه رویکرد کوتاه‌مدت و ناپایدار به امر توسعه است. یکسان‌انگاشتن رشد و توسعه و تأکید بر ارتقای شاخص‌های رشد اقتصادی به قیمت سوءبرداشت و آلودگی منابع، آسیبی است که جز از طریق تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های حاکم بر ذهن مردم،

سیاست گذاران و سیاستمداران ممکن نشده و منجر به کنشی سازگار با سیاست‌های کلی محیط زیست نمی‌شود (اسماعیلی فرد، 1395: 17).

به نظر می‌رسد تداوم تشدید تخریب و آلودگی محیط زیست کشور، چنان نتایج زیانبار و دیرپایی در ابعاد مختلف به دنبال داشته که گاه بهسازی و بازسازی آنها، اگر نه ناممکن که بسیار پرهزینه و زمانبر خواهد بود، به طوری که شایسته اطلاق عنوان بحران زیست محیطی هستیم (کاویانی راد، 1389: 34-33). در تعریف، «بحران زیست محیطی» به موقعیتی اطلاق می‌شود که بیانگر درجه‌ای از تهدید نسبت به جان مردم، سلامتی آنها و امکانات زندگی ایشان است. بیشتر بحران‌ها به صورت خاموش و در عین حال بالقوه برای آفرینش آسیب هستند و هنگامی که یک بحران خفته به صورت فعال درمی‌آید، پاسخی آنی را طلب می‌کند. بحران‌ها ممکن است آهسته اثر و یا سریع اثر باشند. بحران‌های آهسته اثر بحران‌هایی هستند که در طول یک دوره زمانی نسبتاً طولانی اتفاق می‌افتند و پاسخ طولانی و فرسایشی را نیز می‌خواهند. نمونه بارز چنین بحران‌هایی، خشکسالی و قحطی است. در مقابل بحران‌های سریع اثر، بحران‌هایی از قبیل زلزله و سیل که در لحظاتی کوتاه، خسارات و خرابی‌های بسیاری را به جا می‌گذارند. این بحران‌ها قابل پیش‌بینی نیستند، اما خسارات و شدت تأثیرات آنها قابل پیش‌بینی است. از این رو، برنامه‌ریزی برای مقابله با آنها کاملاً امکان‌پذیر است (مهکویی و همکاران، 1393: 134). در ارتباط با بحران‌های سریع اثر محیط زیستی، ایران به عنوان یکی از سانحه‌خیزترین کشورهای جهان به شمار می‌آید که هر ساله خسارات فراوانی را از سوانح طبیعی متحمل می‌گردد. مرکز اپیدمولوژی سوانح سازمان ملل متحد در سال 1990، چهل نوع سانحه طبیعی را شناسایی کرد که در ایران از بین این حوادث و سوانح، 31 مورد شناسایی و دارای سابقه بوده است (عزیزی مهماندوست، 1390: 25).

بدین ترتیب هر چند تهدیدات زیست محیطی که امنیت ایران را با خطر مواجه نموده است طیف گسترده‌ای را در برمی‌گیرد. اما چنان که از اظهارنظرهای کارشناسان مختلف برمی‌آید و از نقطه مشترک مقالات گوناگون به دست می‌آید، می‌توان آنها را در ذیل چند مورد دسته‌بندی نمود. به عنوان نمونه در یکی از جدیدترین این گزارش‌ها، گری لویس¹ (هماهنگ کننده مقیم سازمان ملل متحد و نماینده مقیم برنامه توسعه ملل متحد در ایران)

1. Gary Lewis

پنج چالش کنونی محیط زیست ایران را که امنیت انسانی را به مخاطره می‌اندازد به شرح زیر برمی‌شمرد: اول کم آبی، به‌طور کلی آب بزرگترین محدودیت منابع در ایران و بزرگترین خطر محیط زیست ایران در درازمدت است. دوم آسیب‌دیدگی و فرسایش خاک که این تهدید از دو منبع بیابان‌زایی و جنگل‌زدایی نشأت می‌گیرد. سوم بحران انرژی، چهارم آلودگی هوا که تأثیر آن بر کیفیت زندگی مردم ایران احتمالاً آنی‌ترین، ملموس‌ترین و مشهودترین تهدید است. به‌طوری که طبق ارزیابی سازمان جهانی بهداشت شهرهای اهواز، کرمانشاه و سنندج جزو آلوده‌ترین شهرهای جهان و شرایطی بدتر از تهران دارند. و بالأخره پنجمین چالش زیست محیطی، خسارت از دست رفتن تنوع زیستی است (Lewis, 2014: 9-17).

2-2. مهم‌ترین چالش‌های امنیت زیست‌محیطی ایران

همانطور که گفته شد هرچند در باب چالش‌های امنیت زیست‌محیطی ایران از فرط مشهود بودن و وضعیت بحرانی آن نوعی اتفاق نظر در بین متخصصان امر وجود دارد؛ اما مقاله حاضر در این بخش به روش دلفی در پاسخ به سؤال اصلی خود برآمد. در گام نخست برای درک کامل مفاهیم، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های امنیت زیست‌محیطی ایران، تحقیق، مصاحبه‌های آزاد و هدایت‌شونده‌ای با خبرگان و کارشناسان محیط‌زیست به عمل آمد. در ادامه، جهت شناسایی نهایی پیامدها از روش دلفی استفاده شد. در این روش ابتدا پرسش‌نامه مرحله اول توسط گروه تحقیق تنظیم شد. سپس، پرسش‌نامه بین گروه خبرگان توزیع شد و از آنها خواسته شد تا براساس جدول (1) امتیاز دهند و نظر خود را در مورد چالش‌های زیست‌محیطی ایران بیان کنند. سپس جهت تلفیق آرا از راه نرم‌افزار Excel، میانگین حسابی و هندسی اهمیت معیارها و اشخاص محاسبه شد و آن دسته از پیامدها که نمرات بالاتر از میانگین حسابی و هندسی کل پاسخ‌ها به پرسش‌نامه (به ازای تک‌تک اعضا) داشتند، حفظ شدند. تعدادی از پیامدها نیز که میانگین حسابی یا هندسی کمتر از میانگین کل داشتند، حذف شدند. پس از آنکه مرحله اول شناسایی پیامدها توسط روش دلفی به پایان رسید، جهت معرفی و شناسایی با اولویت‌ترین پیامدها، پرسش‌نامه مرحله دوم توسط گروه تحقیق تنظیم و مجدداً میان گروه‌نخبگان توزیع شد تا براساس طیف نمره‌دهی مزبور نظر خود را در مورد آن بیان کنند. سرانجام، در پایان مرحله دوم روش دلفی و پس

از تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌های دور دوم همانند مرحله اول، مهم‌ترین و اولویت‌مندترین چالش‌های محیط‌زیستی به دست آمد. در طراحی این ساختار به فوریت، حیاتی بودن و ابعاد تبعات امنیتی و شدت اثر پیامدها توجه شده است. نتایج به دست آمده از محاسبه چالش‌های محیط زیست ایران حاکی از آن است که مسائل مرتبط با بحران بی‌آبی و آلودگی هوا با بیشترین وزن، از مهم‌ترین چالش‌های محیط زیستی ایران هستند که بدان‌ها اشاره خواهد شد. بر همین مبنای نگارندگان مقاله معتقدند که چالش‌ها و مسائل محیط زیستی ایران به دلیل پیچیدگی بسیار زیاد، درجه بالای عدم قطعیت، تغییر سریع آمار و اطلاعات، شبیه به معادله مجهول و گسترده‌ای است که پژوهش به شرط به روز و کاربردی بودن، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجرایی بر اساس راه‌حل‌های علمی و پژوهشی حول مهم‌ترین پیشران‌های محیط زیستی کشور را ضروری می‌نماید و این مهم سهم زیادی در کاهش این چالش‌ها خواهد داشت.

جدول 1. چالش‌های زیست‌محیطی ایران

ردیف	چالش‌های زیست‌محیطی ایران
1	افت کمی و کیفی، و بحران منابع آب کشور
2	پدیده گرد و غبار (ریزگردها)
3	آلودگی شدید هوا در کلانشهرها
4	نابودی و خشک شدن تالاب‌ها
5	افزایش فرسایش خاک و بیابان‌زایی به دلیل تخریب جنگل‌ها و مراتع
6	بحران خشکسالی‌های ادواری و آسیب‌پذیر شدن محیط زیست کشور به این پدیده
7	مصرف بی‌رویه انرژی و انتشار آلاینده‌ها و گازهای گلخانه‌ای
8	فرونشست زمین در نتیجه افت آب در سفره‌های زیرزمینی
9	نابودی و ویرانی بخشی از گونه‌های ارزشمند گیاهی و جانوری
10	افزایش قابل ملاحظه تولید ضایعات و پسماندهای شهری و صنعتی
11	تغییر کاربری اراضی مستعد جنگلی و کشاورزی و تبدیل آنها به سایر کاربری‌ها
12	افزایش آلودگی آب، هوا و خاک
13	بحران آب شیرین‌کن‌ها
14	آلودگی دریای خزر و خلیج فارس (گونه مهاجم، توسعه ناپایدار مناطق ساحلی، آلودگی‌های نفتی، احداث جزایر مصنوعی، کشند قرمز)
15	آلودگی‌های رادیو اکتیو ناشی از توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای

هر چند چالش‌های زیست‌محیطی که امنیت ایران را هدف قرار داده است به قدری عیان است که در دسته‌بندی آن در بین کارشناسان اتفاق نظر وجود دارد، اما در این بخش برای پرهیز از تکرار و متناسب با موضوع و هدف مقاله پیش رو، در تأکید بر لزوم موضوعات زیست‌محیطی، ضمن اکتفا در اشاره به دو گونه از تهدیداتی زیست‌محیطی که هم‌اکنون ابعاد امنیتی آن برجسته‌تر و توجه فوری‌تر را می‌طلبد، خواهیم پرداخت. این انتخاب متناسب با نتایج حاصله از دلفی‌نخبگان در شناسایی چالش‌هایی است که در حال حاضر قابلیت تأثیرگذاری بیشتری بر امنیت زیست‌محیطی ایران را خواهند داشت. بر این اساس به نظر می‌رسد محدودیت منابع آب، و آلودگی هوا در زمره مهم‌ترین روندها و چالش‌های زیست‌محیطی کشور قرار می‌گیرند که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت. دلایل انتخاب این دو محور، ریشه‌گیری سایر بحران‌ها از این دو محور، بسترسازی و توان بالقوه برای ایجاد درگیری‌ها، و شدت سرعت آنها در ایجاد بحران است. در حقیقت اینها خود آفریننده بحران‌های امنیتی دیگر هستند.



نمودار 2. بحران‌های با منشأ حوزه آبی کشور

2-2-1. بحران بی‌آبی در ایران

براساس پیش‌بینی سازمان ملل، ایران از جمله کشورهایی خواهد بود که در سال 2025 با کمبود مزمن آب روبه‌رو خواهد شد (مهکویی و همکاران، 1393: 138). بحران آب و ابعاد امنیتی آن بقدری جدی و عیان است که در اظهار نظرات مسئولین و کارشناسان مختلف بارها بیان شده است. چنان‌که حمید چیت‌چیان، وزیر نیرو و هشدار داده که «حیات، تمدن و بقای ایرانی به دلیل شرایط آبی کشور در معرض تهدید» است و «تأمین آب شرب مردم به یکی از معضلات کشور تبدیل شده است» (سایت انتخاب، 1395). محسن رنانی، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان در کنار هشدار نسبت به افزایش درگیری‌ها بر سر آب

معتقد است: «در آینده، این نه آمریکا و عربستان و فرقه‌های مذهبی تندرو و...، بلکه آب خواهد بود که بیشترین ضربه را به نظام وارد خواهد کرد» (خبرگزاری ایرنا، 1394). رحیم میدانی، معاون وزیر نیرو نیز با اشاره به احتمال بروز «کشمکش و درگیری‌ها و حتی جنگ» بر سر آب یکی از پیامدهای وضعیت تنش آبی را درگیری و «تعارضات اجتماعی» دانسته که به گفته او می‌تواند بین 2 استان و یا داخل یک استان بین شهرستان‌ها و روستاها اتفاق بیفتد (خبرگزاری ایلنا، 1394). عیسی کلانتری، وزیر اسبق کشاورزی ایران نیز از جمله افرادی است که معتقد است روند کنونی بحران آب در ایران، کشور را در آستانه مواجهه با خطری به مراتب بزرگ‌تر از حمله نظامی خارجی قرار داده است (ایسنا، 1395).

بر مبنای این اظهارات منابع آبی که به‌عنوان یک کالای اقتصادی محسوب می‌شود با رشد درخواست برای آن و کمیابی آن به یک «کالای امنیتی»¹ تبدیل می‌گردد که زمینه شکل‌گیری و تشدید تنگنای امنیتی را به دنبال خود خواهد داشت. افزایش جمعیت و تحول در الگوی مصرف آب باعث می‌شود که در تداوم بحران‌های گذشته، میان سکونتگاه‌ها رقابت بر سر تصرف منابع آب‌های سطحی و عمقی افزایش یابد و کشمکش و درگیری بین جوامع توسعه‌یابنده که این مسئله دارای تبعات سیاسی و امنیتی برای کشور است. در این ارتباط می‌توان به تهدید به استعفای تمامی نمایندگان مجلس استان خوزستان در اعتراض به انتقال آب‌های این استان در شهریورماه 1390، بروز برخی ناآرامی‌های اجتماعی در منطقه شرق استان اصفهان و آسیب رساندن به تأسیسات انتقال آب به یزد، به دلیل اعتراض کشاورزان این منطقه به نداشتن تأمین حقاچه در سال 1391 که آن را به مشکلی امنیتی بدل کرد و پیامدهای ناگوار آن تا به امروز نیز ادامه دارد. هم‌چنین به اعتراضاتی که در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی به خشک شدن دریاچه ارومیه صورت گرفت، اشاره کرد (صادقی و نادری، 1395: 194-191).

این چالش‌ها در حالی است که، روستاهای بسیاری به‌ویژه در مناطق مرکزی ایران به واسطه خشک شدن چاه‌های آب با مشکل مواجه شده و جمعیت روستایی مجبور به ترک آنها شده‌اند که به آنها «آوارگان آب» لقب داده‌اند. ایران از اولین کشورهای است که در جنوب شرقی خود با مسئله آوارگان آب مواجه شده است. کمبود آب و خشکسالی، ایران را در میان کشورهایی با بالاترین ناامنی غذایی قرار داده است. مناطق نیمه خشک جنوب و

مرکز ایران که یکی از مهم‌ترین مراکز کشت گندم و جو بشمار می‌روند در معرض تخلیه منابع آب زیرزمینی قرار دارند. در صورت تخلیه منابع آب زیرزمینی، تولید گندم ایران به کمتر از 5 میلیون تن، یعنی چیزی در حدود یک - سوم تولید کنونی خواهد رسید (Beheshti, 2011: 6351-6359). این وضعیت محدود به مناطق مرکزی کشور نیست چنان که قربانعلی سعادت، استاندار آذربایجان غربی گفته است که طبق برآوردها در صورت بحرانی‌تر شدن وضعیت دریاچه ارومیه، پنج تا شش میلیون نفر از ساکنان حاشیه آن مجبور به مهاجرت خواهند شد (خبرگزاری مهر، 1393).

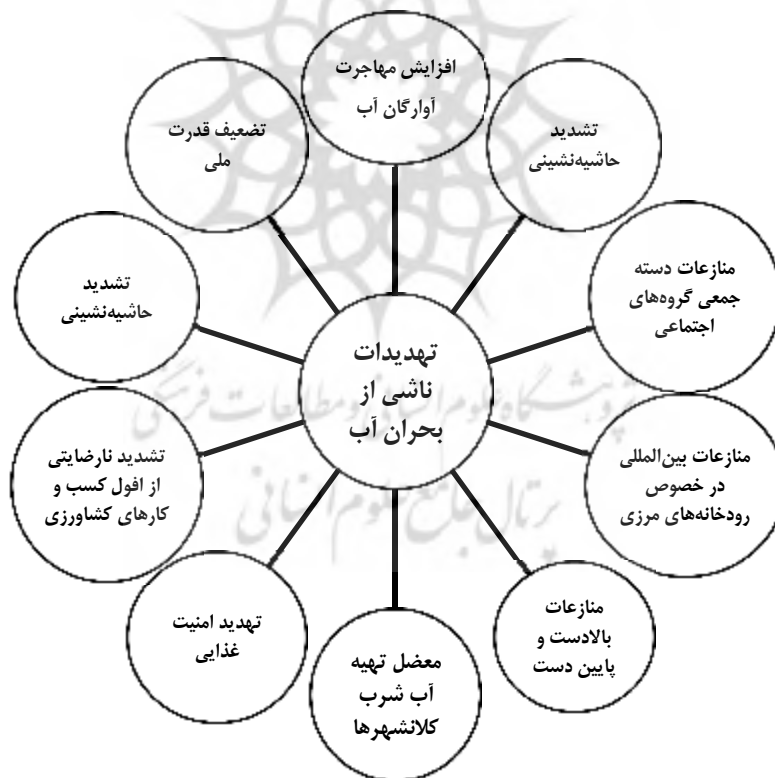
از سویی دیگر، موضوع مهم‌تر در رابطه با وابستگی ایران به منابع آب، منابع مشترک با همسایگان است. ضریب وابستگی ایران به منابع آبی با سرچشمه بیرونی بین 7 تا 8 درصد است. اگر چه این رقم در بُعد ملی چشمگیر نیست ولی در بُعد منطقه‌ای بسیار مهم و حساس است. برای نمونه، ضریب وابستگی سیستان به هیرمند 100 درصد، منطقه مغان نزدیک به رود ارس نزدیک به 80 درصد و منطقه سرخس نزدیک به 90 درصد است. این منابع، امکانات به نسبت چشمگیری از نظر ظرفیت تولید اقتصادی و اسکان جمعیت در سطح ملی فراهم می‌کنند که به علت مرزی بودن، آثار استراتژیک مهمی نیز بر امنیت ملی کشور دارند. به علاوه نزدیک به 22 درصد از مرزهای ایران را 26 رودخانه کوچک و بزرگ در بر می‌گیرد. از این رو ایران به همه کشورهای همسایه دارای مرز رودخانه‌ای است. با نگرشی به موقعیت ژئوپلیتیکی و نیز وضع حوزه‌های آبریز و رودخانه‌های مرزی کشورمان درمی‌یابیم که بسیاری از مناطق صنعتی - کشاورزی به‌خصوص مناطق ژئواستراتژیک از چگونگی بهره‌برداری از منابع آبی مشترک متأثر است. اهمیت این منابع زمانی آشکار می‌شود که بدانیم اگر در سال 1373، 7/9 درصد از جمعیت کشور از منابع آبی مشترک بهره‌مندی داشته‌اند این رقم در سال 1400 به حدود 37 درصد افزایش می‌یابد (مهکویی و همکاران، 1393: 141).

بر همین مبنا پیامدهای امنیتی ناشی از تداوم بحران آب برای ایران را می‌توان به‌طور خلاصه به‌صورت ذیل دسته‌بندی نمود:

الف) تضعیف قدرت ملی: تحمیل هزینه‌های اقتصادی، کاهش جذابیت توریستی، کاهش سرمایه‌گذاری بین‌المللی، القای تصویری مخدوش و فقیر از ایران در اذهان عمومی بین‌المللی، تهدید مشروعیت نظام به خاطر عدم توانایی در تأمین نیازهای ضروری مردم.

ب) بروز تنش‌ها و درگیری‌های داخلی: درگیری مردم با همدیگر؛ مانند درگیری کشاورزان اصفهانی و خط لوله یزد - اصفهان و درگیری و تنش بین مردم با دولت؛ همانند خشک شدن دریاچه ارومیه، خشک شدن زاینده‌رود و حفر چاه‌های غیرقانونی توسط کشاورزان.

ج) بروز تنش‌ها و درگیری‌های بین‌المللی: درگیری با کشورهای همسایه همچون عراق، آذربایجان، ترکیه و افغانستان بر سر منابع آب و بهره‌برداری از رودهای مشترک همچون ارس، اروندرود و هیرمند. بگونه‌ای که بهره‌برداری نامناسب از رودخانه هیرمند توسط کشور افغانستان یکی از علل اساسی در خشک شدن تالاب/ دریاچه بین‌المللی هامون و در نتیجه به خطر افتادن زندگی شهروندان مان شده است (رضایان، 1395: 6-7).



2-2-2. بحران توفان ریزگردها¹

چالش‌های زیست‌محیطی از مهم‌ترین پیشران‌های تغییر و سبب شکل‌گیری بحران‌های آینده است که در هر یک از مناطق جهان به گونه‌ای حیات بشر را به مخاطره انداخته است. منطقه غرب آسیا نیز از این امر مستثنی نیست و موقعیت خشک و بیابانی، این منطقه را در معرض یکی از جدی‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی قرار داده است که خشکسالی‌های طولانی از جمله آنها است. پدیده طوفان ریزگرد نمونه دیگری از ابعاد مختلف این بحران است (زواری، 1394: 14-12). در حقیقت یکی از مهم‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی در مناطق خشک و نیمه خشک، پدیده مخرب بیابان‌زایی و فرسایش بادی می‌باشد که وقوع طوفان‌های گرد و غبار و حرکت ریزگردها از پیامدهای آن محسوب می‌شود. طی سالیان اخیر طوفان‌های گرد و غبار در خاورمیانه و به‌خصوص در بیابان‌های عربستان و عراق اثرات زیان‌بار بسیاری را برای کشورمان به همراه داشته که دامنه آن تا شهرهای عمده مرکز کشور نیز کشیده شده است. وسعت خسارات این پدیده، تنها محدود به تهدید اراضی کشاورزی و مناطق صنعتی نبوده، بلکه با مختل نمودن زندگی عادی شهروندان آشکارا تبدیل به یک تهدید جدی زیست‌محیطی شده و واکنش افکار عمومی را به دنبال داشته است. فزاینده‌گی دامنه غلظت گرد و غبار در اشکال کاهش میدان دید، افزایش تصادفات، لغو مکرر پروازها، تعطیلی ادارات، کاهش تردد مردم و در نتیجه، کاهش میزان فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه در استان‌های مرزی، بروز حملات آسمی، قلبی، ریوی و عفونت‌های چشمی، زیان هنگفت بیمه‌ها و مانند آن نمود یافته است. گسترش ابعاد و پیامدهای این مخاطره طبیعی، آن را در اندازه، موضوعی امنیتی و سیاسی برکشیده است (کاویانی‌راد، 1389: 50). از این رو بحران ریزگردها را می‌توان به‌مثابه تهدیدی بالقوه برای امنیت زیست‌محیطی و ملی در منطقه تلقی نمود. اثرات چنین تغییراتی، تهدیدهای کوتاه‌مدت و بلندمدتی را برای امنیت انسانی به وجود می‌آورد (طوفان، 1389: 943).

در ارتباط با منشأ ریزگردها با دو عامل داخلی و خارجی مواجه هستیم. منشأ خارجی ریزگردها همان‌طور که در بالا مورد اشاره قرار گرفت عمدتاً بیابان‌های عربستان، عراق و سوریه است که به‌ویژه بستر خشک دجله و فرات به‌علت سیاست‌های سدسازی در کشور بالادست (ترکیه) مسبب آن است. در مورد سیاست‌های سدسازی ترکیه این ابعاد در

1. hazes

درازمدت دارای اثرات به مراتب نگران کننده تری خواهد بود. چنان که درباره سد ایلیسو که بخشی از پروژه گاپ ترکیه در جنوب شرقی این کشور است، بسیاری از کارشناسان، گرد و خاک‌های آینده ایران را ناشی از آن می‌دانند. بر این اساس 56 درصد آب دجله از ترکیه می‌آید و اگر سد ایلیسو ساخته شود، تغییرات زیادی در محیط زیست ترکیه، عراق، سوریه و حتی ایران ایجاد می‌شود، تغییراتی که آسیب‌های شدیدی به همراه خواهد داشت. در واقع با تکمیل سد ایلیسو، مرداب‌های بین‌النهرین عراق که آب آنها از دجله می‌آیند سریعاً خشک می‌شوند. بدین ترتیب با خشک شدن تالاب‌های مرکزی عراق و سوریه، تبدیل تالاب هورالعظیم در خوزستان به بزرگ‌ترین کانون بحرانی ریزگرد در منطقه، درگیری 25 استان غربی و مرکزی کشورمان با معضل ریزگردها را شاهد خواهیم بود و افزایش چشمگیر این مسئله ارمغان حذف حلقه دجله و فرات است. هر چند ترکیه اعلام کرده است که قصد دارد 7.1 میلیارد دلار برای ساخت این سد هزینه کند تا به گفته دولت، رفاه مردم این کشور تأمین شود، اما به نظر می‌رسد دولت مرکزی ترکیه هدف دیگری هم از ساخت این سد دارد و آن «جنگ آبی» با کردهای این کشور است. به گونه‌ای که پس از ساخت و آبگیری، دریاچه این سد به سمت جنوب شرق ترکیه جایی که کردها ساکنند، گسترده می‌گردد، در نتیجه مردم بومی را از کوه‌ها و سکونتگاه‌های آن قسمت مجبور به جابه‌جایی می‌کند. و این سد منجر می‌شود که کردها به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شوند که این کار ترکیه را در شکست دادن آنها آسان‌تر می‌کند. ضمن اینکه بخش بزرگی از شهر هم به زیر آب خواهد رفت (Cagaptay and Otun, 2012: 2). این در حالی است که فقدان قدرت، نظارت و تسلط دولت مرکزی در عراق و سوریه به ویژه طی پنج سال اخیر در جنگ داخلی در این دو کشور و پیدایش و حاکمیت گروه‌های افراط‌گرا همچون داعش به ویژه بر نواحی مستعد ایجاد ریزگردها به تشدید این بحران منجر شده است.

منشأ داخلی نیز در نتیجه سیاست‌های داخلی و بیشتر حاصله از خشکی تالاب‌ها و منابع آبی داخلی است. به‌طور نمونه می‌توان از روند خشکی دریاچه ارومیه نام برد که اگر چه در طی دو سال اخیر این روند تا حدودی مهار شده اما بسترش و نمکی که پیش از این زیر آب بود، حالا بیش از هر وقت دیگر آماده روان شدن در توفان‌هاست. با خشک شدن دریاچه ارومیه طوفان‌های گرد و غبار و نمک از شمال غرب کشور راهی نواحی مرکزی

می‌شوند و آن وقت حتی تهران، قزوین یا اراک هم از این ریزگردها در امان نخواهند ماند؛ ریزگردهایی که این بار پیش‌بینی شده سلامتی دست کم 14 میلیون نفر را تهدید کنند (رستم‌زاد، 1395). بر همین اساس اکنون شاهد تغییر الگوی آلودگی هوا به‌ویژه در تهران از آلودگی‌های ناشی از سوخت‌های فسیلی و احتراق به‌سمت آلودگی ناشی از پدیده گرد و غبار در حرکت هستیم (ابتکار، 1394).

بحران ریزگردها به قدری جدی است که در سند «سیاست‌های کلی محیط زیست» به‌عنوان تازه‌ترین سند محیط زیستی کشور، در چندجا آشکارا بدان اشاره شده است. از جمله در بندهای 7 و 1-15¹. اما واقعیت آن است که بحران ریزگردها کارآمدی نظام را به چالش کشیده و نشان داده که بالقوه توان برانگیختن شورش‌های خیابانی و تهدید امنیت حکومت را دارد. این درحالی است مسئولان در رفع این بحران با «چالش زمان» نیز مواجه هستند، اگر ایران از همین حالا همه توان خود را برای مهار ریزگردها صرف کند، نتیجه این عمل ده سال دیگر آشکار خواهد شد، چون احیای تالاب‌ها و دشت‌های مرده حتی به فرض وجود منابع آب کافی و توقف همه عوامل خشکاننده قبلی، سالیان دراز به طول می‌انجامد. این مشکل به‌طور کلی برای سیاست‌های جهانی کنترل گرمایش زمین هم وجود دارد، چون دولت‌ها باید همه سیاست‌های مصرف انرژی خود را هم اکنون تغییر دهند برای دستاوردی که از سال 2030 به بعد آشکار خواهد شد (کریمی، 1393).

در صورت عدم اتخاذ تدابیر مناسب برای بحران ریزگردها، پیامدهای آن نه تنها مناطق غربی بلکه کل کشور را در برمی‌گیرد. به‌طور کلی چالش‌های ناشی از پدیده ریزگردها در سه گروه زیست محیطی، اجتماعی - اقتصادی و امنیتی دسته‌بندی می‌شود که هر یک از آنها با تأثیر کارایی متقابل بر یکدیگر می‌توانند زمینه‌ساز رویدادها و پدیده‌های تازه‌ای شوند.

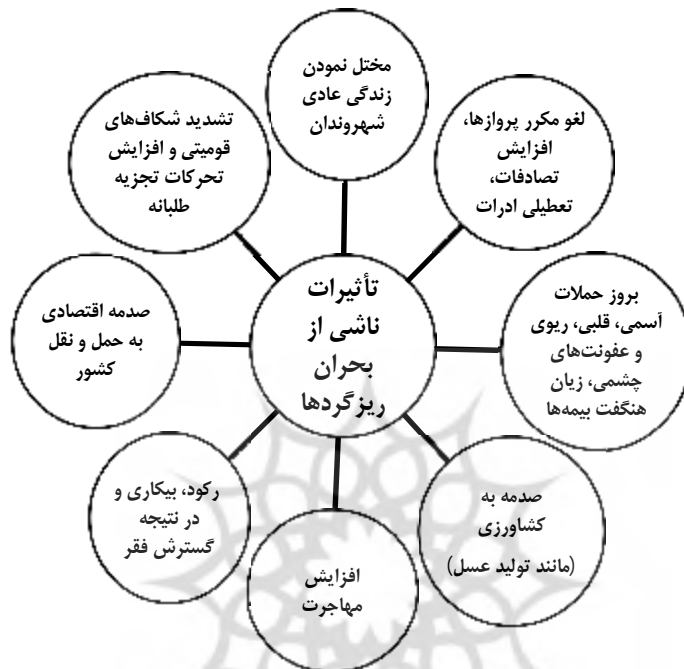
الف) چالش‌های اجتماعی - اقتصادی: گسترش پدیده ریزگردها و پیامدهای آن بر سلامتی افراد، به تدریج شهروندان این مناطق را به این نتیجه می‌رساند که برای زندگی بهتر به مناطقی با شرایط مناسب‌تر همچون کلان‌شهرهای نزدیک یا حتی تهران مهاجرت کنند.

7.1. مدیریت تغییرات اقلیم و مقابله با تهدیدات زیست‌محیطی نظیر بیابان‌زایی، گرد و غبار به‌ویژه ریزگردها، خشکسالی و عوامل سرایت‌دهنده میکروبی و رادیواکتیو و توسعه آینده‌نگری و شناخت پدیده‌های نوظهور زیست‌محیطی و مدیریت آن.

1-15. تلاش برای ایجاد و تقویت نهادهای منطقه‌ای برای مقابله با گرد و غبار و آلودگی‌های آبی (سیاست‌های کلی محیط زیست، 1395).

از سوی دیگر آلودگی هوا، انگیزه کارآفرینان به سرمایه‌گذاری در منطقه را کاهش داده و این افراد نیز سرمایه‌های خود را به مناطقی با شرایط باثبات‌تر جابه‌جا خواهند کرد که نتیجه آن گسترش رکود، بیکاری و در نتیجه فقر ساکنان این مناطق خواهد بود. همچنین با توجه به شرایط دشوار این مناطق، شرکت‌ها و سازمان‌هایی که مجبور به فعالیت در این استان‌ها هستند، برای تأمین رضایت نیروی کار خود می‌بایست دستمزد بیشتری را در مقایسه با دیگر مناطق پرداخت کنند، که نتیجه آن کاهش حاشیه سود و یا غیراقتصادی شدن اینگونه فعالیت‌ها خواهد بود. برآیند چنین رویدادی ایجاد چرخه باطلی از تسلسل افزایش مهاجرت، کاهش سرمایه‌گذاری و گسترش فقر در این مناطق خواهد بود که به خلوت شدن مناطق مرزی و افزایش تراکم در شهرهایی همچون تهران منجر خواهد شد.

ب) چالش‌های امنیتی: در نتیجه آلودگی‌های زیست‌محیطی و گسترش فقر، به تدریج نارضایتی از دولت، بالا رفته و زمینه لازم برای فعالیت و تبلیغات گروه‌های معاند یا جنبش‌های قومی-قبیله‌ای و حتی تجزیه‌طلب فراهم می‌شود. این موضوع در کنار نارضایتی و یا کاهش یا عدم پایداری به حاکمیت کلی نظام، می‌تواند هزینه دولت را در برقراری حاکمیت و امنیت در این گونه مناطق بالا ببرد. از سوی دیگر امنیت شکننده به معاندان امکان می‌دهد در فرصت مناسب، زمینه شورش و اعتراض‌های گسترده به ساختارهای دولتی را فراهم کنند که نتیجه آن تداوم و گسترش روزافزون این چالش‌ها و ظهور مسایل جدید است (زواری، 1394: 12-14).



3. راهبردهایی برای ارتقای امنیت زیست‌محیطی ایران

3-1. توسعه مفهومی و عملیاتی امنیت در نزد نهادهای متولی امنیت

با توجه به تعاریف و ویژگی‌های ذکر شده برای مفهوم امنیت زیست‌محیطی که در بالا مورد اشاره قرار گرفتند، سیاست‌گذاری امنیتی در هر جامعه‌ای بایستی تمام ابعاد و جنبه‌های دارای رابطه تأثیر و تأثر با آن جامعه را در برگیرد، زیرا ابعاد مختلف امنیت دارای روابط و تعاملات تأثیرگذاری و اثرپذیری از یکدیگر بوده و بسیاری از متغیرها و مولفه‌های نقش‌آفرین در آنها مشترک هستند. امکان تفکیک کلی و مرزبندی دقیق بین این ابعاد امری غیرممکن بوده و تلاش برای این گونه تقسیم‌بندی و تفکیک منجر به غفلت و نادیده گرفته شدن برخی از مولفه‌ها و متغیرها و همچنین روابط فی‌مابین این ابعاد خواهد گردید. به همین دلیل ایجاد زمینه و بستر در اذهان کارگزاران، تصمیم‌سازان و مجریان کشور، برای فهم امنیت زیست‌محیطی و نگرش آن در تدوین، برنامه‌ریزی و اجرا بایسته می‌نماید. این اقدام تنها به معنای افزودن بیان زیست‌محیطی به واژه امنیت نیست بلکه مستلزم اندیشیدن بسیار دقیق، درباره معنای امنیت و به کار بستن نتایج حاصله در طیفی از پویاها است

(لطفی، 1390: 131).

بنابراین با توجه به گسترش تهدیدات نوین امنیتی، تدوین استراتژی‌های راهبردی - امنیتی در چارچوب این گزاره و عدم تکیه صرف بر تهدیدات نظامی، کنشگران جدید در این الگو باید ابعاد پرشمار امنیت به‌ویژه بُعد زیست‌محیطی را در فرهنگ کنشگرانی راهبردی در جمهوری اسلامی مدنظر قرار دهند. در طراحی این استراتژی راهبردی - امنیتی نخست آگاهی، برای ارتقاء ضریب امنیتی جامعه و افزایش رضایت‌مندی نزد کنشگران، ارتقاء سطح آگاهی کنشگران در خصوص شناخت وضع موجود، اصلاح وضع موجود، خواسته‌های اصیل و راه‌های دستیابی به وضع مطلوب ضروری است (ابراهیمی و دیگران، 1391: 89).

3-2. استقرار «دفتر امنیت زیست محیطی» در نمودار شورای عالی امنیت ملی

خلاً رصد تهدیدات محیط زیستی در کشور مشهود است و بنظر بهترین بخش برای پیگیری این موضوع، شورای عالی امنیت ملی می‌باشد. رصد امنیت محیط زیستی باید با همکاری سازمان حفاظت از محیط زیست و نهادهای متولی امنیت صورت گیرد و شایسته است این دفتر از کارشناسان مجرب امور امنیتی، راهبردی، محیط زیستی و آینده پژوه بهره برد. همچنین برای بهره‌مندی از تجارب کارشناسانه از سایر نهادهای مرتبط تعامل با وزارت امور خارجه، وزارت نیرو، وزارت علوم، وزارت دفاع، هلال احمر و... سودمند خواهد بود. شورای امنیت ملی به واسطه جایگاهی که دارد، می‌تواند پیوند گسترده‌ای میان مسئولان مربوطه، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و ساختارهای امنیت و محیط زیست ایجاد کند. یکی از روش‌های ایجاد این پیوند، ایجاد زمینه برای مشارکت و حضور صاحب‌نظران حوزه امنیت و استفاده از نظرات آنها برای ایجاد موازنه در حوزه محیط زیست و امنیت در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. با توجه به گستردگی و پیچیدگی زمینه‌های محیط زیستی، سازوکار حل بسیاری از مسائل در حوزه سیاست‌گذاری است. با توجه به برخی‌ساز و کارهای موجود در زمینه محیط زیست و امنیت همچون پدافند غیرعامل، شورای امنیت ملی با شناسایی نقاط تهدید و تأثیراتی که محیط زیست بر امنیت ملی دارد از طریق ایجاد ارتباط دوسویه میان امنیت و محیط زیست، هدف‌گذاری‌های فنی و کمی، همچنین برنامه‌های اجرایی و کاربردی علمی، تخصصی و فنی می‌تواند نقشی مهم

در زمینه تمرکز بر بحث امنیت و محیط زیست ایفا نماید.

4. الزام و ارتقاء تهیه گزارش ارزیابی محیط زیستی برای طرح‌های عمرانی

نگرشی گذرا بر وضعیت محیط زیست جهان در دو دهه گذشته نشان می‌دهد که نه فقط اثرات مخرب انسانی بر محیط زیست کاهش نیافته بلکه مسائل حاد و بغرنج با اثرات مختلف و متعدد بروز نموده است و در ایران نیز همانند سایر ملل، توسعه شهرنشینی و تبدیل تدریجی مناطق روستایی و جوامع کشاورزی به مناطق شهری و صنعتی، موجب تغییر روابط مناسب انسانی با محیط زیست اطراف خود گردیده است. این تغییرات به علت عدم اعمال کنترل و نظارت بر محیط زیست حادث شده است. در نتیجه نیاز تدوین و اجرای قوانین، مقررات و ضوابطی در جهت حفظ و بهبود محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی، بیش از پیش احساس گردیده است. در فرایند سیر تکامل مدیریت محیط زیست به‌عنوان یک نظام گسترده و پویا برای مواجهه با آلودگی و تخریب محیط زیست، رویکردهای پیشگیرانه‌ای مورد نظر قرار گرفته‌اند. در این راستا، از پایان دهه 1960 میلادی، ارزیابی اثرات محیط زیستی به‌عنوان فعالیتی برای شناسایی و پیش‌بینی اثرات یک پروژه بر روی رفاه و سلامت انسان و نیز بر محیط بیوژئوفیزیکی او برای بررسی و انتشار اطلاعات این اثرات مطرح و اجرای قانونی آن جایگاه ویژه‌ای در کشورهای مختلف جهان یافته است. با توجه به اثرات تخریبی و گاه غیرقابل جبران و بسیار پرهزینه بسیاری از پروژه‌های توسعه، ارزیابی محیط زیستی به‌عنوان یک ابزار قدرتمند برای دستیابی به توسعه پایدار از سال 1373 در کشور ایران، جایگاه قانونی یافته است تا در صورت برآورد ابعاد پدیدآورنده ناامنی و بحران‌زای هر طرح قبل از انجام، از آن پیشگیری یا در آن تجدید نظر گردد. تعداد پروژه‌هایی که تاکنون توسط شورای عالی حفاظت محیط زیست ایران مورد تصویب قرار گرفته‌اند، رو به افزایش است اما به پیروی از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور چالش‌ها و مشکلاتی فراوی نظام ارزیابی محیط زیست کشور وجود دارد که، بررسی و شناسایی آن می‌تواند باعث تعیین راهکار به‌سوی ارتقای نظام ارزیابی محیط زیست کشور گردد (رحمتی، 1391: 16).

نتیجه گیری

داده‌های آماری و یافته‌های پژوهش‌های انجام شده درباره چگونگی محیط زیست ایران گویای تشدید روند بی‌مهری به محیط زیست، از بین رفتن تنوع زیستی و تخریب و فرسایش محیطی در بخش‌های مختلف کشور است که تداوم آن در چند سال آینده، کشور را با چالش‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پرهزینه روبه‌رو خواهد ساخت. به همین دلیل به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت روز افزون تهدیدات زیست‌محیطی لزوم بازنگری در تعریف امنیت در نزد سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کشور بیش از گذشته ضرورت یافته است. آن چه که در این پژوهش مورد بحث واقع شد، وجود وضعیت‌های محیط زیستی است که هر کدام به تنهایی، توانایی امنیتی شدن و در نتیجه تحمیل هزینه بر جمهوری اسلامی ایران را دارا می‌باشند. در حقیقت چنان چه در مسائلی همچون بحران کم‌آبی که به شدت امنیت کشور را متأثر ساخته، و زمینه امنیتی شدن یافته است، هم چنین در پدیده ریزگردها که، به خطر افتادن سلامت شهروندان، مهاجرت و بیکاری و در نهایت فشار بر دولت را در پی دارد؛ به ماهیت امنیتی این بحران‌ها به‌عنوان بستری برای ایجاد ناآرامی، شورش، و نقض امنیت انسانی و سلامت شهروندان و در نهایت تهدید امنیت ملی توجه نگردد، به نقطه بدون بازگشتی خواهیم رسید. در حقیقت در چنین وضعیتی با توجه به ماهیت تهدیدات غیرسنتی، منشاء تهدید نه حمله نظامی و جنگ از بیرون، بلکه ناکارآمدی داخلی، عدم سیاست‌گذاری‌های صحیح و آینده‌نگرانه خودمان خواهد بود. لذا نیاز نگاه گسترده به امنیت و اتخاذ راهبردها و سیاست‌هایی برای چاره‌اندیشی به مشکلات و بحران‌های فعلی و آینده، اهمیت وافری می‌یابد. از این رو دولت و دستگاه‌های مربوطه وظیفه دارند بیش از پیش به روندهای نوین امنیتی توجه کنند تا از میزان صدمات در آینده کاسته شود.

از سویی دیگر، فقدان نگاه معطوف به امنیت زیست محیطی، در دهه‌های گذشته بخوبی مشهود است. چنان که اگر در گذشته متولیان امور امنیت کشور و دست‌اندرکاران حفاظت از محیط زیست، مسلط به چنین نگاهی بودند، امروز بجای اطلاق واژه بحران به این رویدادهای طبیعی، اثرات آن تحت کنترل درآمده، محدود شده، راهکارهایی برای آن اندیشیده شده و کشور در جهت نیل به توسعه پایدار چنان که در اسناد بالادستی کشور بارها اشاره شده گام بر می‌داشت. توسعه پایدار کشور مرهون بهره‌برداری مناسب از

امکانات آب، خاک، منابع طبیعی و ظرفیت‌های موجود نیروی انسانی و به عبارتی، حفاظت از محیط زیست است. لذا، لازم است کشورمان با تأکید بر حفظ محیط زیست در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار که در واقع همان اهداف سند چشم‌انداز است گام‌های مستحکمی بردارد. در حقیقت در شرایطی می‌توان به‌عنوان جایگاه قدرت اول منطقه تکیه زد که امنیت کشور و تداوم حیات آن آماده باشد. اما در شرایطی که دغدغه‌های جدیدی با ابعاد امنیتی، ذهن سیاست‌گذاران و مجریان را به خود معطوف کرده و باعث اختلال در زندگی روزمره و سلامت آحاد ملت گردد، بی‌گمان از مسیر تحقق این مهم دور خواهیم شد.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

1. ابتکار، معصومه (1394). گسترش صلح و امنیت جهانی از ملزومات حفظ محیط زیست است، خبرگزاری ایرنا، کد خبر: 81771921، دوم مهرماه.
2. ابراهیمی، نبی‌الله؛ روح‌الله قادری کنگاوری و عادل دهدشتی (1391). تهدیدهای نوین و گذار به حکمرانی راهبردی؛ با نگاه به جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره اول، بهار، شماره مسلسل 59: 87-106.
3. ابوالحسنی، علی محمد (1393). نظریه‌های زیست محیطی، سایت پژوهش پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام.
4. احمدی، سیدعباس، طهمورث حیدری موصلو و روح‌الله نیکزاد (1392). جنبه‌های بین‌المللی ژئوپلیتیک زیست محیطی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره 45، شماره 3، پاییز، صص 121-146.
5. اسماعیلی‌فرد، مریم (1395). سیاست‌های کلی محیط زیست؛ مسیر پیش‌رو، روزنامه شرق، شماره 2727، شنبه 22 آبان، صفحه (جامعه) 17.
6. اصلی‌پور، حسین و فتاح شریف‌زاده (1394). راهبرد سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور در بستر نظریات متعارف تصمیم‌گیری عمومی، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال 22، شماره 83، پاییز، صص 245-271.
7. افتخاری، اصغر (1395). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، چاپ دوم، تهران: مطالعات راهبردی.
8. افتخاری، اصغر، مهدی نادری باب‌اناری و حسین میسمی (1390). بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز، جمهوری اسلامی ایران در افق 1404، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره 60: 53-80.
9. بوزان، باری (1389). مردم، دولت‌ها و هراس، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
10. بوزان، باری و دیگران (1386). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، مترجم علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
11. بیلیس، جان و استیو اسمیت (1383). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین،

- ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، جلد دوم، چاپ اول، تهران: ابرار معاصر.
12. پیشگاهی فرد، زهرا و عمران علیزاده (1390). امنیت زیست‌محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن 21، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال ششم، شماره 14: 107-119.
13. تریف، تری و دیگران (1383) مطالعات امنیتی نوین، مترجمان: علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
14. جاجرمی، کاظم، زهرا پیشگاهی فرد و حجت مهکویی (1392) ارزیابی تهدیدات زیست‌محیطی در امنیت ملی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره 67: 193-230.
15. جکسون، رابرت و گئورک سورنسون (1385) درآمدی بر روابط بین‌الملل، مترجمان: مهدی ذاکریان و همکاران، تهران: نشر میزان.
16. چیت‌چیان، حمید (1395). ادامه حیات و تمدن و بقای ایرانی به دلیل شرایط آبی کشور در خطر است، سایت خبری انتخاب، تاریخ انتشار، 5 مرداد، کد خبر 283210.
17. دولتشاهی پیروز، محرم و هادی طهماسبی آشتیانی (1389). انسان، انرژی، محیط زیست و چشم‌اندازی به آینده، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره 56: 313-343.
18. رحمتی، علیرضا (1391) بررسی روند ارزیابی اثرات محیط زیستی در ایران، چالش‌ها و راهکارها، محیط زیست و توسعه، سال 3، شماره 5: 15-23.
19. رستم‌زاد، آرزو (1395). بیماری‌های خطرناک ناشی از طوفان نمکی دریاچه ارومیه، خبرگزاری خبرآنلاین، شنبه 24 مهر، کد مطلب 589979.
20. رضایان، احد و علی حسین (1395). آینده پژوهی بحران آب در ایران به روش سناریوپردازی، فصلنامه اکوهیدرولوژی، دوره 333، شماره 1: 1-17.
21. رنانی، محسن (1394). کلید خروج از «بحران آب» در ایران، خبرگزاری ایرنا، کدخبر 81597981، 16 اردیبهشت.
22. روحانی، حسن (1389). درآمدی بر مؤلفه‌های اساسی محیطی در چشم‌انداز ایران، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره 55: 7-34.
23. زارع، بیژن و زهره روغنیان (1394). آینده پژوهی در توسعه زیست‌محیطی به روش سناریوپردازی، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.
24. زواری، سیدعبدالمجید (1394). پیامدهای راهبردی ریزگردها در افق 1414، ماهنامه نامه

آینده پژوهی، شماره بیستم: 12-14.

25. شیهان، مایکل (1388). امنیت بین الملل، مترجم: سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: مطالعات راهبردی.

26. صالحی، عبدالمطلب و رکسانا نیکنامی (1392). امنیت زیست محیطی و همکاری بین المللی، در «مجموعه مقالات اکولوژی سیاسی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

27. طوفان، مسعود (1389). چالش ها و چشم انداز همکاری های منطقه ای در مهار ریزگردها، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره 4: 943-958.

28. عبدالله خانی، علی (1389). نظریه های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

29. عزیزی مهماندوست، مهدی (1390). مدیریت بحران و تهدیدات زیست محیطی در ایران، فصلنامه پدافند غیرعامل، سال دوم، شماره 2: 21-33.

30. فالک، ریچارد (1381). نظریه واقع گرایی و امنیت جهان در «ارزیابی های انتقادی در زمینه امنیت بین الملل»، مترجم: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

31. قنبرلو، عبدالله (1392). جهانی شدن و مسائل زیست محیطی، در مجموعه مقالات اکولوژی سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

32. قوام، سید عبدالعلی (1384). سیاست بین المللی و رویکرد زیست محیطی، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، بهار و تابستان، شماره 14: 7-20.

33. کاستلز، امانوئل (1385). اقتصاد، جامعه و فرهنگ: عصر اطلاعات، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: نشر طرح نو.

34. کاویانی راد، مراد (1389). تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران های بوم شناسی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره دوم: 33-58.

35. کاویانی راد، مراد (1390). امنیت زیست محیطی از منظر ژئوپلیتیک، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره 20، شماره 23، زمستان: 85-106.

36. کاویانی راد، مراد (1392). تبیین نسبت اکولوژی و سیاست در مجموعه مقالات اکولوژی سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

37. کرمی، ناصر (1393). هشت دلیل انفعال دولت ایران در برابر ریزگردها، 28 بهمن / 17 فوریه

بررسی مفهوم امنیت زیست‌محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست‌محیطی ایران 231

2015، سایت بی‌بی‌سی فارسی.

38. کلانتری، عیسی (1394). دبیر کارگروه ملی احیای دریاچه ارومیه: مقابله با بحران کم‌آبی مهم‌تر از مقابله با حمله نظامی دشمنان است، خبرگزاری ایسنا، کد خبر: 5-15414-9410، دوشنبه 14 دی ماه.

39. لطفی، حیدر، محمدحسن نامی، جعفر حسن‌پور و حمید بحیرایی (1390). امنیت زیست‌محیطی و سیاست‌گذاری امنیت ملی، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره چهارم، پاییز: 144-121.

40. متیوز، جسیکا (1381). محیط زیست و امنیت بین‌الملل در «ارزیابی‌های انتقادی در زمینه امنیت بین‌الملل»، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

41. مهکویی، حجت، کاظم جاجرمی و زهرا پیشگاهی‌فرد (1393). تهدیدات زیست‌محیطی در کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس با تأکید بر بحران منابع آب، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال چهارم، شماره 13، بهار: 143-133.

42. میدانی، رحیم (1394). وضعیت آب بحرانی است/احتمال درگیری به خاطر بحران آب/خشکسالی 20 سال دیگر ادامه دارد، خبرگزاری ایلنا، کد خبر: 295196، 14 تیر.

43. نجاتی، محمدحسین (1395). خشکی، سرنوشت 58 درصد از مساحت تالاب‌های ایران، خبرگزاری خبرآنلاین، 14 مهر، کد مطلب: 586826.

44. یزدان‌فام، محمود (1390). آینده‌شناسی و برآورد محیط راهبردی: لازمه تصمیم‌گیری بهتر در امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان، شماره مسلسل 54: 32-7.

ب) منابع لاتین

1. Beheshti, Hamed (2011) The prospective environmental impacts of Iran nuclear energy expansion, Energy Policy, Volume 39, Issue 10, October 2011, PP 6351-6359.
2. Cagaptay, Soner and Otun, Altay (2012) Flooding Out Terror? Turkey's Ilisu Dam Project, Washington Institute for near east policy, May 3, pp 1-2.
3. Lewis, Gary (2014) Challenges to and from the Environment in Iran, Iran Heritage Foundation and Persian Wildlife Heritage Foundation Symposium, Royal Geographical Society, London, 18 January 2014.